

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"
تنظیم و ویرایش: پورتال

راه ناپیدا

ای خوش آن شبها که همراه تو در مهتابها
بی قرارها کنیم و کشتی شوق افکنیم
از می و جام و صراحی و دف و چنگ و سرود
یا تو بنشینی و من، برخاسته، پاروزان
یا تو برخیزی و من بنشسته، اندر پای تو
یا تو بکشائی نظر بر صفحه خاموش آب
یا تو بر بندی کمر، بر عزم مستی و سرور
از خلال موج موبیت، پرتو سیمین ماه
با سحر گیسوی تو بازیکنان از تار دل
سجده ها بر طاق ابرویت کنم از شوقها
تابها بر کاکلت افتاده باشد سربس
آنقدر افسانه ها گویم به گوشت از جنون
تو به خواب اندر شوی و من ز خود بیرون روم
بسپریم راهی که ناپیداست انجامش به چشم

در دل دریاچه ای آرام، چون سیمابها
همچو نیکیها، به صد امید در گردابها
دسته ها گیریم با خود، این چنین اسبابها
بیشتر رانسم، به تو گویم ز الفت بابها
جامها بر سر بیسم، از شراب نابها
یا من آهنگ حسینی سر کنم با آبها
یا من از مستی کنم در گوش تو آلابها
سیمگون افتد به روی موجهای آبها
نغمه ها سازم برون با ناخن مضرابها
همچو شیخ معتکف در گوشه محرابها
من خورم پیشت چو مرغ کشته پیچ و تابها
تا برد آخر ترا بر زانوی من خوابها
تا برد ما را چنیون، از بیخودیا آبها
عشقها ورزیم در این ورطه نایابها

زندگی گدازد در «اسیر»، از ساعتی
وارهیم از این همه گدازد، سیلابها

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، ۱۷ قوس ۱۳۳۷ ش)